

کارستان هنری محمدباقر*

یعقوب آژند**

استاد دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۸/۲۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۰/۳۰)



چکیده

مهم‌ترین موضوعی که در بررسی و ارزیابی زندگی هنری محمدباقر یا آقاباقر، نقاش قرن دوازدهم هجری، مطرح‌نظر نگارنده است، اثبات زنجیره پدر فرزندی او با محمدعلی بیک نقاش‌باشی است. برای این منظور، اسناد و مدارک موجود، به‌ویژه بعضی از آثار خود محمدباقر که در ساری اجرا شده است، ارزیابی و تحلیل شد. محمدباقر در بعضی از آثار خود به بازنمایی و بازسازی برخی از آثار جدش، علی‌قلی بیک جباردار، پرداخته است. از جمله این اسناد و شواهد پر می‌آید که وی فرزند محمد علی بیک نقاش‌باشی بود که در نزد علی اشرف (نقاش قرن دوازدهم هجری و شاگرد محمد علی بیک نقاش‌باشی)، به فراگیری نقاشی لاک‌ی و تذهیب و غیره می‌پردازد و سپس همراه هم‌دوره‌های خود، محمدصادق و محمدهادی، نزد میرزا مهدی‌خان استرآبادی، منشی و مورخ نادرشاه، تقرب می‌جوید و بعدها همراه دوستانش به دربار کریم‌خان زند راه پیدا می‌کند و در پروژه‌های هنری دربار مشارکت می‌جوید و چندی بعد دربار قاجار می‌شود. گفتنی است که در نیل به نتایج منطقی در این مقاله، از روش استقرایی و با معان‌نظر به فرایند توصیف، ارزیابی و تحلیل و فرایند کلی نقادی علمی استفاده شده است.

واژگان کلیدی

آقا نجف‌علی نقاش‌باشی، علی اشرف، محمدباقر، محمدحسن، محمدعلی بیک نقاش‌باشی.

*این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی تحت عنوان: «دستاوردهای هنری سه نقاش قرن دوازدهم هجری» است که نگارنده در دانشگاه تهران انجام داده است. بدین‌وسیله از مساعدت‌های معاونت پژوهشی دانشگاه قدرانی می‌شود.

**تلفکس: ۰۲۱-۶۶۴۱۵۲۸۲، E-mail: yazhand@ut.ac.ir

مقدمه

باشند. بازماندگان این دو خاندان که پیش‌تر در دربار صفوی بودند، در این دوره وارد دربار افشاریه و زندیه شدند و هنرهای ایران را با شرایط و مقتضیات جدید تداوم بخشیدند. محمدعلی از نوادگان علی‌قلی بیگ جبادار بود که به مقام نقاش‌باشی دربار نادرشاه ارتقا یافت و تحت حمایت میرزا مهدی‌خان استرآبادی، منشی و مورخ دربار نادرشاه درآمد. به‌زعم نگارنده، محمدباقر از فرزندان محمدعلی نقاش‌باشی بود که پس از فراگیری هنر، وارد دربار زندیه شد و بعدها هنر دوره زندیه را با کمک شماری از هنرمندان دیگر این دوره به هنر دوره قاجار پیوند زد. این مقاله تفحصی در باب زندگی و آثار این هنرمند است.

هنر ایران از اواخر دوره صفوی دچار دگرگونی شد و ریشه‌های این دگرگونی را می‌توان در دوره صفوی باز جست. تحول سیاسی ایران در نیمه اول سده دوازدهم هجری که سقوط سلسله صفوی را در پی آورد، باعث نشد هنر ایران هم دچار انحطاط شود؛ بلکه شماری از قدرت‌مداران و هنرپروران جدید افشاریه و زندیه، به حمایت از هنرها و هنرمندان پرداختند و در پیشرفت هنری ایران تداوم پدید آوردند. خانواده‌های هنرمند دوره صفوی در دوره افشاریه و زندیه به حیات خود ادامه دادند و شماری از آن‌ها، وارد دربار شدند و در حقیقت، از دربار ساقط‌شده صفوی نقل مکان کردند و به دربار افشاریه و زندیه پیوستند. شاید اعضای دو خانواده هنری محمدزمان و علی‌قلی بیگ جبادار، مثال بارزی از این جابه‌جایی هنری

۱. گوشه‌هایی از زندگی

الف. دوره جوانی

سال‌های یادشده قرار دهیم، وی می‌باید در اوایل دهه ۱۱۴۰ هجری متولد شده و هنگام شاگردی‌اش نزد علی اشرف، ۱۰ تا ۲۰ ساله بوده باشد.

از محمدباقر رقم دیگری نیز در آثارش باقی است که بعضی از واقعیت‌های زندگی وی را روشن می‌سازد. در بالا و پایین رویه قلاب آینه‌ای که از دستاوردهای هنری زیبای اوست، نوشته شده: «رقم کمترین محمدباقر بن محمدعلی، به دارالسلطنه اصفهان، در مدت یازده‌ماه به اتمام رسید، به تاریخ جمادی الاول ۱۱۸۷» (خلیلی، ۱۳۸۶: ۹۰). از این رقم نیز می‌توان دو نکته را دریافت: ۱. نام پدر محمدباقر، محمدعلی بوده است؛ ۲. محمدباقر در این سال‌ها در اصفهان به سر می‌برده است.

اکنون به توضیح و تشریح این دو نکته می‌پردازیم. در دوره مورد بحث، دو محمدعلی نقاش زندگی می‌کردند: ۱. محمدعلی بن محمدزمان؛ ۲. محمدعلی بن ابدال بیگ نقاش‌باشی. درباره محمدعلی بن محمدزمان اطلاعات روشن‌گری نداریم؛ جز اینکه دست‌کم در پنج اثر هنری رقم او ثبت شده است و تواریخ این رقم‌ها هم از سال ۱۱۱۱ تا ۱۱۳۳ هجری است. از آثار باقی‌مانده او نیز پیداست که علاقه ویژه‌ای به پیکرپروری و چهره‌سازی داشته و پیکره‌های انسانی را به نحوی زیبا کار می‌کرده است (Diba, 1989: 151). اما درباره محمدعلی بن ابدال بیگ نقاش‌باشی، مطالب آذربیکدلی در دست است که از بعضی لحاظ راهگشاست و می‌توان از آن نتایجی به دست آورد. آذر بیگدلی درباره محمدعلی بن ابدال بیگ نقاش‌باشی می‌نویسد:

«اسمش محمدعلی بیگ خلف ابدال بیگ نقاش‌باشی است و جد ایشان، علی‌قلی بیگ فرنگی است که در فن نقاشی ثانی‌مانی است و در دولت سلاطین صفوی شرف اسلام یافته و مشغول خدمات سلطانی بوده و خود نیز در اصفهان

درباره زندگی محمدباقر، در منابع نمی‌توان جز چند اشاره، اطلاعات قطعی پیدا کرد. نخستین اشاره را می‌توان در رقم‌زنی‌های آثار خود وی یافت. دست‌کم، دو سه رقم از رقم‌های او می‌تواند راهگشا باشد. یکی از رقم‌های اولیه او در آثارش، با سجع «باقر از لطف علی اشرف بود» است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۹۷۱). این رقم وی در یکی از آثار مرقع موجود ارمیتاژ (مرقع میرزا مهدی‌خان استرآبادی) ثبت شده است. این اثر دربردارنده گل و مرغ و دو غزال زیبا به سبک سیاه‌قلم است و پیداست که آثار دوره خامی و جوانی محمدباقر است. می‌دانیم که مرقع ارمیتاژ را علی اشرف، نقاش آثار زیرلاکی سده دوازدهم هجری برای میرزا مهدی‌خان استرآبادی، از سال ۱۱۴۷ تا ۱۱۵۱ هجری فراهم کرد. در گردآوری این مرقع، شاگردان او یعنی محمدهادی، محمدباقر و محمدصادق نیز او را همراهی کردند. جلدآرایی آن را خود علی اشرف و شاگردش، محمدهادی، به عهده داشتند. از محمدباقر، تصاویر رقم‌داری در صفحه سوم این مرقع دیده می‌شود که در یکی از آن‌ها رقم یادشده، یعنی «باقر از لطف علی اشرف بود» آمده است. رقم‌های این تصاویر تاریخ ندارد؛ ولی از تواریخ اجرای این مرقع پیداست که در فاصله سال‌های ۱۱۴۷ تا ۱۱۵۱ هجری کار شده است. از این تصاویر می‌توان دو برداشت اساسی کرد:

۱. علی اشرف، استاد محمدباقر بوده است؛ چون رقم یادشده علاوه بر داشتن مفهوم مذهبی، به زنجیره استاد-شاگردی او نیز اشاره دارد.

۲. محمدباقر در خلال این سال‌ها، یعنی ۱۱۴۷ تا ۱۱۵۱ هجری، نزد علی اشرف شاگردی می‌کرده و دوره جوانی را می‌گذرانده است. اگر نخستین اثر محمدباقر را در فاصله



تصویر ۱. شیر و اژدها، کار محمدباقر، موزه متروپولیتن، نیویورک
مأخذ: آتابای، ۱۳۵۳: بی‌صفحه

(Diba, 1989: 153). دیگری تابلوی سوزان و همراهان است که محمدباقر آن را نیز در سال ۱۱۷۸ هجری اکتباس کرده است. این اثر در ۲۳ ژوئن ۱۹۸۲ در حراج هنر اسلامی پاریس به فروش رفت (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۳-۶۶۲). آیا محمدباقر با کپی کردن آثار علی‌قلی بیگ جبادار می‌خواسته یاد و خاطره جد خود را زنده نگه‌دارد؟ او در حقیقت با ذکر نام پدرش در رقم خود و کپی کردن از روی آثار جدش علی‌قلی بیگ جبادار، خواسته به اصل و نسب هنری خود مباحث کند و معمولاً هنرمندانی از نام پدرشان در رقم خویش استفاده می‌کردند که پدرشان از مشاهیر روزگار بوده است. دلیل متقن دیگری که به رابطه پدر و فرزند این دو هنرمند صحنه می‌گذارد، وجود دست‌کم دو مرقع خط و نقاشی در کتابخانه کاخ گلستان است که گردآورنده این دو مرقع، آثار محمدعلی و محمدباقر را در کنار هم قرار داده است. از جمله این مرقعات، مرقع خط و نقاشی با شماره دفتر ۱۶۳۷ است که در آن آثار محمدعلی و محمدباقر در کنار هم ظاهر شده است (آتابای، ۱۳۵۳: ۹-۲۷۸). در مرقع نقاشی دیگری با شماره دفتر ۱۶۴۳، آثار سه تن از نقاشان یعنی محمدعلی و محمدباقر و میرزا بابا در کنار هم گردآوری شده است (آتابای، ۱۳۵۳: ۵-۳۸۴). آیا گردآورنده این مرقعات از نسبت پدر و فرزند این دو آگاه بوده که آثار آن‌ها را در مرقعی واحد گرد آورده است؟

نکته دیگر اینکه می‌دانیم علی اشرف، استاد محمدباقر، از شاگردان محمدعلی بوده و سجع رقم علی اشرف یعنی «ز بعد محمد علی اشرف است» ظاهراً به این زنجیره استاد-شاگردی اشاره دارد. بعضی هنرپژوهان، این محمدعلی را محمدعلی بن محمدزمان دانسته‌اند؛ ولی توالی وقایع و حضور محمدعلی بن ابدال بیگ در مقام نقاش‌باشی نادرشاه و حضور علی اشرف و شاگردانش نزد میرزا مهدی‌خان استرآبادی، منشی و مورخ نادرشاه، جعلگی حاکی از آن است که علی اشرف، شاگرد محمد علی نقاش‌باشی بوده و محمدعلی، فرزندش، محمدباقر را نزد او (یعنی نزد شاگردش) گذاشته تا نقاشی زیرلاکی و

نشو و نما یافته و در عهد شاه طهماسب ثانی و نادرشاه نقاش‌باشی بوده، آخر الامر ضعف باصره به هم رسانیده در مازندران در سنه ۱۱۷۲ به درود عالم فانی کرده، به اکثری از کمالات صوری و معنوی، خصوص در فن تصویر یگانه آفاق بوده. در میان فقیر و ایشان کمال رفاقت و خصوصیت بوده...» (آذربیکدلی، ۱۳۷۸: ۶۲۸). از این نوشته پیداست که محمدعلی بن ابدال بیگ نقاش‌باشی، نواده علی‌قلی بیگ جبادار، نقاش فرنگی‌ساز دوره شاه عباس دوم، بود که در زمان شاه طهماسب دوم و نادرشاه، یعنی در فاصله سال‌های ۱۱۳۵ تا ۱۱۶۰ هجری به مقام نقاش‌باشی دربار نائل شده است. این نقاش بیشتر در پیکرپردازی و چهره‌سازی مهارت داشته و نقاشی‌های تاریخ جهانگشای نادری منسوب به اوست (ادیب برومند، ۱۳۵۷: ۴۵-۴۰).

از قرائن پیداست که محمدباقر فرزند محمدعلی بن ابدال بیگ نقاش‌باشی بوده است. در این مورد می‌توان به سه نکته اشاره کرد که رابطه پدر و فرزند این دو را به اثبات می‌رساند: ۱. از محمدباقر چندین تابلو در دست است که آن‌ها را در ساری مازندران کشیده است. فراموش نکنیم که محمدباقر اهل اصفهان بود و گاهی برای انجام کارها به شهرهای دیگر از جمله شیراز سفر می‌کرده است. از آثاری که محمدباقر در ساری اجرا کرده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. تصویر گل سرخ زیبایی با رقم «کمترین محمدباقر در ساری مازندران ساخته شد» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۲۲).

کریم‌زاده تبریزی بی‌آنکه به رابطه پدر و فرزند محمدباقر و محمدعلی اشاره داشته باشد، به یک محمدباقر دیگر به نام محمدباقر مازندرانی اشاره می‌کند که کسی جز محمدباقر اصفهانی نیست؛ منتها بعضی از آثارش را در ساری اجرا کرده است. از جمله این آثار: تصویر رویرویی شیر و اژدها با رقم «در بلده ساری مشق شد، کمترین محمد باقر» (تصویر ۱) و تصویر آبرنگ گل سرخی با شیوه سیاه‌قلم و رقم «کمترین محمدباقر، در ساری مازندران ساخته شد» و تصویر اسبی نحیف و لاغر با رقم «کمترین محمد باقر» که در آوریل ۱۹۷۶ در حراج ساتی لندن به فروش رفت (کریم‌زاده تبریزی، ج ۲: ۹-۶۶۸). محمدباقر به احتمال زیاد، هنگام فوت پدرش محمدعلی در ساری مازندران به سر می‌برده و این آثار را در آنجا کشیده است. از نوشته آذربیکدلی و ابوالحسن مستوفی غفاری (۱۳۶۹: ۴۳۹) در می‌یابیم که محمدعلی در سال ۱۱۷۲ هجری (یا به قول ابوالحسن مستوفی در سال ۱۱۶۹ هجری) در مازندران در گذشته است.

از محمدباقر دو تابلو در دست است که از روی آثار علی‌قلی بیگ جبادار تقلید کرده است؛ یکی تصویر حوری خوابیده است که علی‌قلی بیگ آن را در سال ۱۰۸۴ هجری کار کرده و محمدباقر از آن تقلید کرده است که امروزه در کتابخانه چستربیتی دابلین به شماره Cat.No.282.VI محفوظ است

محمدباقر بوده است. توان گفت که فن نقاشی در چند نسل از خانواده علی‌قلی بیگ جبادار ادامه یافته و به محمدباقر و فرزندان او محمدحسن، نجف‌علی و فرزندان نجف‌علی یعنی محمدکاظم، محمدجعفر و احمد و محمدعلی منتقل شده است.

ب. محمدباقر در دربار زند

از اشاره صاحب رستم‌التواریخ متوجه می‌شویم که محمدباقر در دربار کریم‌خان زند کار می‌کرده و در زمرة نقاشان دربار او بوده است. در رستم‌التواریخ آمده: «دیگر آنکه در آن عصر پسندیده، خلایق در آن آرمیده، نقاشان زیبانگار و مصوران شیرین کار بوده‌اند. از آن جمله عالی‌شأنان آقازمان، آقاباقر (محمدباقر) آقاصادق (محمدصادق) میرزا حسن (میرزا ابوالحسن مستوفی غفاری) میرزا محمد (محمدهادی) که هر یک در نقاشی و مصوری‌مانی ثانی، بلکه به هزار درجه بالاتر از مانعی بوده‌اند» (رستم‌الحکما، ۱۳۵۲: ۴۱۰). می‌دانیم که محمدباقر همراه هم‌دوره‌هایش یعنی محمدهادی و محمدصادق، سال‌های شاگردی را نزد علی‌اشرف گذراند و از قرار معلوم تا سال ۱۱۶۰ هجری (سال مرگ نادرشاه) در کنار استاد خود مشغول کار بوده‌اند و به‌ویژه در فراهم کردن مرقع میرزا مهدی‌خان استرآبادی (مرقع ارمیتاژ) او را همراهی کرده‌اند. چنین می‌نماید که این چهار تن در کارگاه هنری میرزا مهدی‌خان استرآبادی کار می‌کرده‌اند. پس از مرگ نادر، اوضاع به هم خورد و علی‌اشرف به آذربایجان رفت و محمدباقر، محمدهادی و محمدصادق در اصفهان باقی ماندند و در اواخر دهه شصت، روی مرقع خطی که امروزه با شماره E۱۴ در انستیتوی مطالعات شرقی آکادمی علوم سن پترزبورگ نگهداری می‌شود، به کار مشغول شدند و آن‌ها را تذهیب و تشعیر کردند.

گفتنی است نادر پس از جنگ کرنال در سال ۱۱۵۱ هجری، وارد دهلی شد و خزانه شاهان گورکانی را غارت کرد و به ایران آورد. از آثار این گنجینه، نقاشی‌ها و خطاطی‌ها و قطعات پراکنده خوش‌نویسی و مرقع معروف گلشن بود. به نظر می‌رسد پس از مرگ نادر در سال ۱۱۶۰ هجری، این آثار پراکنده یا در اختیار میرزا مهدی‌خان استرآبادی بوده یا به دست کریم‌خان زند افتاده است. به هر ترتیب، این سه هنرمند یعنی محمدهادی و محمدباقر و محمدصادق مأمور می‌شوند که تمامی این قطعات را سروسامان بدهند. با تذهیب و تشعیر آن‌ها را در یک مجموعه واحد بیارایند و این کار انجام می‌گیرد و در بین سال‌های ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۲ به اتمام می‌رسد. در این مجموعه، چهره‌نگاری‌های زیبا، پیکره‌های زیبا، پیکره‌های عابریان و پارسایان، نمونه‌های تذهیب و مشکل، قطعات خطاطی با تذهیب و تشعیر دل‌نشین، تقلیدهایی از آثار فرنگی، چند چهره‌نگاری از شاهان گورکانی در مقابل تصاویر شاهان ایرانی دیده می‌شوند. بعضی از صفحات این مرقع کهنه شده و امروزه در گالری هنری فریر واشنگتن نگهداری

تذهیب و تشعیر را از او فرا گیرد. محمدباقر نزد علی‌اشرف نقاشی زیرلاکی روی جلدها و قلمدان‌ها و جعبه‌ها و قاب آینه‌ها را فرا گرفت و در تذهیب و طلاافشانی و حل‌کاری و گل و مرغ‌سازی صاحب مهارت شد؛ چنانچه گواه این گفته را می‌توان در نقش و نگار حواشی و تصاویر مجموعه محفوظ در سن پترزبورگ مشاهده کرد. در صفحه ۸۴۵ این مجموعه، تاریخ ۱۱۷۲ هجری در کنار رقم محمدباقر آمده است (آدامووا، ۱۳۸۶: ۲۲۶).

تذهیب و تشعیر و تصویر این مجموعه را محمدباقر، محمدهادی و محمدصادق در فاصله سال‌های ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۲ هجری به انجام رسانده‌اند. نکته مهم دیگر در مورد محمدباقر، نام فرزند او محمدحسن است که در یکی از رقم‌های آثار او ثبت شده است؛ یعنی تصویر گل سرخی با رقم «به جهت نور چشمی محمدحسن مشق شد، کمترین محمدباقر بن محمدعلی» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۶۱). می‌دانیم که در گذشته، اصطلاح «نور چشمی» را به فرزندان اطلاق می‌کردند. محمدباقر در این اثر خود هم نام فرزند و هم نام پدرش را ذکر کرده است. پیداست که آن را از برای مشق فرزندش کشیده که از قرار معلوم در نزدش شاگردی می‌کرده است. این محمدحسن، بعدها از نقاشان برجسته اوایل دوره قاجار گردید و کارخانه یا کارگاهی را برای تولید آثار زیرلاکی در اصفهان راه انداخت. کریم‌زاده تبریزی، طبق عادت مألوف خود، بدون اینکه به ارتباط این محمدحسن با سه محمدحسن دیگر توجهی بکند، از سه تن محمدحسن نقاش اصفهانی، محمدحسن نقاش فتح‌علیشاهی و باز محمدحسن نقاش فتح‌علیشاهی یاد می‌کند که قابل جمع در یک محمدحسن هستند؛ یعنی محمدحسن اصفهانی که می‌باید فرزند محمدباقر بوده باشد. او همچون پدرش که رقم «یا باقرالعلوم» داشت، از رقم «یا امام حسن» استفاده می‌کرد (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۹۱-۶۸۹).

رقم دیگر محمدحسن «گل بوستان محمد، حسن» بود که در آن به نام پدرش محمد (باقر) هم اشاره دارد. از این رقم پیداست که وی پیش پدرش شاگردی هم می‌کرده است. کریم‌زاده در صحبت از آقانجف یا نجف‌علی نقاش‌باشی دربار قاجار، به سند قبالة ازدواج دختر او اشاره می‌کند و عین سند را می‌آورد (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۱۳۷۲؛ خلیلی، ۱۳۸۶: ۳-۲۲۲). در این قبالة که از آن صفیه‌سلطان، دختر نجف‌علی است، نام شماری از نزدیکان و خویشان و آشنایان نجف‌علی و دخترش به‌عنوان شاهد ثبت شده است؛ از جمله نام محمدحسن عموی صفیه سلطان یا برادر نجف‌علی که به‌عنوان شاهد قبالة را مهر زده است. اگر محمدحسن یادشده که با عنوان «آقامحمدحسن» آمده (همچون آقاباقر و آقانجف) همان محمدحسن فرزند محمدباقر بوده باشد و حدس قریب به یقین هم همین است (چون در مهر او سجع «گل بوستان محمد، حسن» ثبت شده) پس نجف‌علی فرزند دیگر

ج. محمدباقر در دربار قاجار

به نظر می‌رسد محمدباقر پس از مرگ کریم‌خان در سال ۱۱۹۳، همچنان از حمایت بعضی شاهزادگان زندیه برخوردار بوده است. گواه این گفته، تصویر آبرنگی است که وی از لطف‌علی‌خان کشیده است. می‌دانیم که لطف‌علی‌خان در سال ۱۲۰۹، مقهور آغامحمدخان شد و به قتل رسید و حکومت فارس و کرمان و یزد در اختیار باباخان (فتح‌علیشاه بعدی)، برادرزاده آغامحمدخان، قرار گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۴۲۵). باباخان تا سال ۱۲۱۱ (سال مرگ آغامحمدخان) یا به قولی دیگر تا سال ۱۲۱۲ (لسان‌الملک سپهر)، در شیراز حاکم بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۴۳۷). گویا باباخان در سال‌های حکومت خود در شیراز از وجود هنرمندانی همچون محمدباقر استفاده کرده است؛ چون در کتابخانه ملی روسیه (دورن شماره ۳۸۰)، یک جلد روغنی از نسخه خطی بوستان سعدی وجود دارد که در کنار رقم محمدباقر، یعنی «رقم کمترین بندگان محمدباقر»، نام سفارش‌دهنده آن نیز آمده است: «به سفارش حضرت مستطاب، باباخان خلدآشیان و جنت‌مکان خلدالله ملکه».

محمدباقر به احتمال زیاد این جلد را بین سال‌های ۱۲۰۹ تا ۱۲۱۱ کار کرده است. جلد با قاب‌بندی‌های زیبا و آکنده از گل‌های ریز و درون شمشه روی و پشت آن با گل‌های سرخ و سفید تزیین شده است (آدامووا، ۱۳۸۶: ۷-۲۲۵). اگر تولد محمدباقر را در دههٔ چهل سدهٔ دوازدهم هجری قرار دهیم (و قریب‌به‌یقین هم همین است)، وی در این سال‌ها در سنین بین ۶۰ و ۷۰ بوده است. می‌دانیم که در فاصلهٔ سال‌های ۱۲۰۸ و ۱۲۱۰، محمدصادق، هم‌دورهٔ محمدباقر، دو تابلوی عظیم جنگ چالدران و جنگ کرنال را به دستور آغامحمدخان و در تالار پذیرایی چهل ستون اجرا کرد (Texier, 1852: 124؛ هنرفر، ۱۳۴۴: ۵۷۴). یک حدس قریب به یقین این است که آغامحمدخان در ایامی که نزد کریم‌خان گروگان بود، با هنرمندانی همچون محمدصادق و محمدباقر از نزدیک آشنا شد و بعدها از آن‌ها برای کشیدن تابلوهای صحنه‌های جنگ استفاده کرد یا اینکه این هنرمندان با سفارش باباخان، حاکم شیراز، به آغامحمدخان پیوستند و در پروژه‌های هنری او مشارکت کردند. در حقیقت، محمدصادق، سه تابلوی رنگ روغن جنگ چالدران و جنگ کرنال و جنگ نادر با عثمانیان را کار می‌کند و محمدباقر هم دو تابلوی رنگ روغن رزمی را برای وی اجرا می‌نماید؛ یکی شکارگاه شاه اسماعیل صفوی که با ملازمان خود در حال شکار است و دیگری تابلوی جنگ تیمور با ایلدرم بایزید عثمانی که هر دو در کاخ گلستان محفوظ است و رقم «کمترین محمدباقر» را دارد (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۶۳).

کریم‌زاده تبریزی داستانی را تعریف می‌کند که حاکی از رقابت این دو هنرمند هم‌دوره و هم‌کاسه است. وی منبع این داستان را نقل نمی‌کند تا در باب صحیح و سقیم

می‌شود. شماری از تذهیب‌ها و تشعیرها دارای رقم و تاریخ است (سودآور، ۱۳۸۰: ۳۲۵).

تشعیرهای طلائی آثار نقاشی این مجموعه، منسوب به محمدباقر و محمدصادق است و تذهیب و تشعیر قطعات خطاطی را محمدهادی انجام داده است. هنگامی که کریم‌خان در سال ۱۱۶۷ هجری شیراز را تحت اختیار خود گرفت، به آبادانی این شهر همت گماشت و در آن عماراتی همچون ارگ شیراز، دیوانخانه، بازار، حمام و کاروان‌سرا احداث کرد. کریم‌خان برای تزیین و نقاشی عمارات جدید خود، از وجود نقاشان متبحری همچون محمدصادق، محمدباقر، محمدهادی و آقازمان استفاده کرد و آن‌ها طبق اشارهٔ محمدصادق نامی، نویسندهٔ تاریخ گیتی‌گشا، ساحت هر ایوانی را آکنده از نقش و نگار زیبا و صورت‌های بدیع کردند و به انواع گل‌های رنگین و ازهار و ریاحین آراستند (۱۳۶۳: ۹-۱۵۷). ارگ کریم‌خان، کلاه فرنگی، دیوانخانه و بقعهٔ هفت‌تنان، از عماراتی بودند که به‌وسیلهٔ نقاشان با انواع آرایه‌ها و تزیینات آراسته شد و به نظر می‌رسد محمدباقر از نقاشان فعال در این پروژه‌های هنری بوده است. محمدباقر، تک‌چهره‌ای از کریم‌خان کشیده و در رقم آن از «عمل کمترین بنده درگاه» استفاده کرده است. این تک‌چهره، امروزه در موزهٔ هنر گرجستان محفوظ است (آدامووا، ۱۳۸۷: ۲۲۵).

گفتنی است نظیر این تابلو، البته منسوب به محمدصادق، در موزهٔ بریتانیا هم موجود است (آدامووا، ۱۳۸۷: ۲۲۵). به احتمال زیاد از آثار دورهٔ اقامت محمدباقر در دربار کریم‌خان زند، دو قطعه نقاشی باشد که از شیری کشیده است. ابوالحسن مستوفی غفاری، نقاش دیگر این دوره، در کتاب گلشن مراد خود، داستانی دربارهٔ شجاعت کریم‌خان آورده که مبالغه‌آمیز است و به نظر می‌رسد منبع الهام خود وی و محمدباقر در کشیدن تصویر شیری قلاده‌به‌گردن شده باشد. ابوالحسن غفاری می‌نویسد که شیر درنده‌ای از دست شیربان فرار کرد و کریم‌خان با دسته گلی که در دستش بود، شیر را از خود دور کرد و قلادهٔ آن را محکم گرفت و به شیربان سپرد (آدامووا، ۱۳۶۹: ۲۳۴).

این واقعه ظاهراً در اصفهان رخ داده بود. از محمدباقر، تصویر شیری در دست است که مردی را گرفتار چنگال خود کرده است و تصویر شیر درنده‌ای که به قلاده‌ای بسته شده است و در آن‌ها رقم «کمترین محمدباقر» و «مشق کمترین محمدباقر» آمده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹: ۲-۶۶۱). از خود ابوالحسن مستوفی هم تصویر آبرنگ شیری در دست است که با قلاده‌ای به درخت بسته شده است و امروزه در موزه رضاعباسی تهران نگهداری می‌شود (آدامووا، ۱۳۷۶: ۳۷-۱). از دیگر آثار باقی‌مانده از محمدباقر در دورهٔ زندیه، تصویر آبرنگ لطف‌علی‌خان زند است که در آن «رقم کمترین آقاباقر» آمده است (آدامووا، ۱۳۶۹: ۲-۶۶۱).

است؛ ولی از قلمدان‌نگاری‌های وی شماری اندک باقی مانده است. از جمله آن‌ها قلمدانی است که روی زمینه سبز سیر آن، گل‌های قرنقل و فندق و گل‌های تزیینی نقش بسته و جزو مجموعه خصوصی کریم‌زاده تبریزی در تهران است و در آن رقم «یا باقرالعلوم ۱۱۶۰» آمده است. دیگری قلمدانی است با نقوش گل و مرغ با رقم «یا باقرالعلوم ۱۱۷۵». یک قلمدان هم با نقش گل میخک تک‌شاخه‌ای و گل سرخ و تذهیبی زیبا در مجموعه عبدالعلی ادیب برومند محفوظ است و در آن رقم «یا باقرالعلوم ۱۱۶۵» در کنار یکی از گل‌های میخک ثبت شده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۶۰ و ۶۶۳). در مجموعه ناصر خلیلی، دو قلمدان گل و مرغی از محمدباقر موجود است (تصویر ۲). در نمای روی یکی از آن‌ها، مرغی زیبا با گل‌های سرخ و شاخه‌ها و بته‌ها و غنچه‌ها و در پهلوی آن، مجموعه‌ای از گل‌های زیبا در زمینه قهوه‌ای مات نقش بسته است. در نمای بیرونی و پهلوی دومی هم مرغی نشسته روی برگ گل‌ها و گل‌های سرخ و گل‌بهی زیبا و به‌ویژه شاخه گل نرگسی نقاشی شده است. در اولی رقم «یا باقرالعلوم» سنه ۱۱۶۰ و در دومی هم رقم «مشق کمترین محمدباقر» آمده است (خلیلی، ۱۳۸۶: ۸۳).



تصویر ۲. قلمدان گل و مرغ، مجموعه خصوصی ناصر خلیلی، لندن
مأخذ: خلیلی، ۱۳۸۶: ۶۲

ب. قاب آینه

محمدباقر برای تزیین قاب‌های آینه، از تصاویری استفاده کرده که در بردارنده مضامین مذهبی ایرانی و مسیحی بوده است. صحنه پیر جهان‌دیده و شاهزاده جوان، مجلس یوسف و زلیخا، مریم عذرا و کودک و یوسف نجار و زنان مسیحی با جامه‌های اروپایی و ضمناً گل و مرغ‌های زیبا، از مضامینی هستند که روی قاب‌های آینه بازمانده از محمدباقر مشاهده می‌شوند. از این قاب آینه‌ها می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱. قاب آینه با تصاویر گل و مرغ و تذهیب حواشی آن و

بودن آن فحص شود. می‌نویسد روزی محمدباقر برای دیدار از محمدصادق به عمارت چهل‌ستون می‌رود که در آنجا مشغول کشیدن تابلو بود. محمدباقر از باب مزاح یا کنایه به محمدصادق می‌گوید: چه کار ساده‌ای ترتیب داده‌ای که با این سرعت و شتاب به پایان می‌بری؟! محمدصادق زهر کنایه محمدباقر را ملتفت می‌شود و جواب می‌دهد که آغامحمدخان خسیس و پول پرست، اجرت این تابلو را ذرعی به من می‌دهد و اگر کاری بهتر از این انجام دهم، دیوانگی محض است. سپس بلافاصله یکی از رزم‌آوران را در هیئت محمدباقر طرح می‌زند و حاضران را به تحسین و می‌دارد (۱۳۷۶، ج ۱: ۲۶۰).

از این داستان، به‌فرض موثق بودن آن، پیداست که این دو هنرمند هم‌زمان در خدمت آغامحمدخان بوده‌اند و رقابتی هم بین آن‌ها وجود داشته است. به هر تقدیر، از بعضی قرائن برمی‌آید محمدباقر در ایام سلطنت فتح‌علی شاه هم از حمایت‌های او برخوردار می‌شود و به‌ویژه در فراهم‌آوردن مرقعی مشارکت می‌ورزد. این مرقع به احتمال زیاد و به دستور فتح‌علی شاه و برای او فراهم شده و در بردارنده قطعات خطاطی از میرعماد و تذهیب حواشی آن‌ها منسوب به محمدباقر است. ابوالعلا سودآور، تاریخ این مرقع را حدود ۱۲۳۷ هجری ثبت کرده است (سودآور، ۱۳۸۰: ۴۰۵). اگر تاریخ این مرقع را موثق بدانیم، باید بپذیریم محمدباقر متجاوز از نود سال عمر کرده است. رابینسن اشاره می‌کند که بنجامین^۱ در سال ۱۸۹۲ (۱۳۰۹) از آقاباقر به صورت آقابیر^۲ یاد می‌کند (Robinson, 1967: 77-78) و مترجم فارسی آن را به صورت اباذر ترجمه کرده است (بنجامین، ۱۳۶۳: ۲۵۵). می‌دانیم که فتح‌علی شاه دستور تهیه جلد لاک‌ی تازهای برای خمسه نظامی شاهی سال‌های ۹۴۹-۹۴۶ هجری صادر کرد که امروزه در کتابخانه بریتانیا به شماره Bz. ۲۲۶۵ محفوظ است. روی این جلد، مجلس شکار فتح‌علی شاه و پسرانش به طرز شیوایی کشیده شده است که کار سیدمیرزا است. در پشت این جلد هم مجلسی از گشت و شکار فتح‌علی شاه نقاشی شده که در بردارنده رقم محمدباقر است (رابینسن، ۱۳۷۹: ۳۵۳).

۲. کارستان هنری محمدباقر

محمدباقر در کارگاه هنری علی اشرف، شیوه نقاشی زیرلاکی را فرا می‌گیرد، در تذهیب و تشعیر و آبرنگ ورزیده می‌شود، نقاشی رنگ روغن را تجربه می‌کند و بعدها از آن در بعضی از آثار خود بهره می‌جوید. آثاری از او در نقاشی زیرلاکی و آبرنگ و رنگ روغن باقی مانده که در این مقام به بررسی و ارزیابی آن‌ها می‌پردازیم. گفتنی است محمدباقر در آثار بازمانده، از رقم‌های متنوعی استفاده کرده است از قبیل: محمدباقر یا امام محمدباقر یا باقرالعلوم، باقر از بعد علی اشرف بود، کمترین آقاباقر و باقر.

الف. قلمدان‌نگاری

محمدباقر در نقاشی زیرلاکی از بلندپایگی ویژه‌ای برخوردار



تصویر ۴. قاب آئینه، گل زنبق، مجموعه خصوصی ناصر خلیلی، لندن
مأخذ: خلیلی، ۱۳۸۶: ۶۴

در چارچوب اتاقی با پرده‌ها، آویزها و منظره بیرون از اتاق ایستاده است. در بخش فوقانی این تصویر، رقم محمدباقر آمده و در بخش تحتانی روی دامن دختر، تاریخ اتمام آن ثبت شده است. روی قاب، چهار پیکره در فضایی شلوغ و تزیینی دیده می‌شود و زنی در حال دست‌افشانی است. دو ندیمه هم پشت سر او، دو ظرف مملو از میوه در دست دارند و ندیمه دیگری در پیش‌زمینه، دست‌به‌سینه، محو دست‌افشانی زن است. در دورنمای آن هم منظره طبیعی همراه با معماری قلعه‌ای مشاهده می‌شود. در پشت قاب آئینه، صحنه مریم عذرا و کودک آمده و کودک در دامن مریم عذرا قرار گرفته و یوسف نجار و همراهان دیگر هم در طرفین او دیده می‌شوند. تصویر گاو خوابیده و سر یابوی آن‌ها هم در صحنه به چشم می‌خورد. در دورنما هم تصاویر خانه‌هایی نقش بسته است (خلیلی، ۱۳۸۶: ۹۰). پیداست که محمدباقر این صحنه‌ها را از تصویر چایی اروپایی اقتباس کرده که در این زمان به فراوانی وارد ایران می‌شده است. این قاب آئینه از پایه ماشه (خمیر کاغذ) ساخته شده و اندازه آن ۱۵/۸*۲۳ سانتی‌متر و اندازه درپوش آن ۱۴*۲۱ سانتی‌متر است (خلیلی، ۱۳۸۶: ۹۱).



تصویر ۵. قاب آئینه، فرنگی‌سازی، مجموعه خصوصی ناصر خلیلی، لندن
مأخذ: خلیلی، ۱۳۸۶: ۹۰

تصویر سفارش‌دهنده در داخل قاب و با رقم «یا باقرالعلوم ۱۱۸۳» (تصویر ۳):

۲. قاب آئینه‌ای با تصاویر گل و مرغ در رویه و جوانب آن و رقم «یا باقرالعلوم» (تصاویر ۴ و ۵):

۳. قاب آئینه‌ای با تصویر پیر جهان‌دیده و شاهزاده جوان و شماری از مریدان و ملازمان شاهزاده با رقم «یا باقرالعلوم ۱۱۹۳». این قاب آئینه در موزه رضا عباسی محفوظ است؛

۴. قاب آئینه‌ای با تصاویر مجلس یوسف و زلیخا که زلیخا در صدر مجلس نشسته و به بالش تکیه داده و ندیمه‌ها پشت سر او هستند و یوسف با ردای بلند طلایی و عمامه‌ای بر سر، میانه مجلس ایستاده و آفتابه لگن به دست گرفته و ملازمان زلیخا، محو جمال اویند و در حین نارنج‌خوری، دست‌های خود را بریده‌اند. طرف دیگر این قاب، دربردارنده تصاویر زیبایی از گل‌های سرخ و مرغ و مناظر چشم‌نواز است و در آن رقم «کمترین باقر ۱۱۹۴» ثبت شده است. این قاب آئینه در ۲۴ آوریل ۱۹۷۹، در حراج ساتبی لندن به فروش رفت (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۶۰).

۵. در مجموعه ناصر خلیلی، قاب آئینه‌ای از محمدباقر موجود است که دربردارنده رقمی راهگشا به زندگی‌نامه او است؛ چون در آن «رقم کمترین محمدباقر بن محمدعلی، بدارالسلطنه اصفهان، در مدت یازده ماه به اتمام رسید؛ به تاریخ شهر جمادی‌الاول سنه ۱۱۸۷» ثبت شده است. از این رقم پیداست که محمدباقر در سال ۱۱۸۷ در اصفهان به سر می‌برده است و نام پدر او محمدعلی بوده و چون چشم از جهان فرو بسته بوده، محمدباقر نام او را در رقمش ذکر کرده است.

این قاب آئینه ظاهراً به سفارش فردی مسیحی ساخته شده و در آن، علاوه بر تصاویر زیبای گل و مرغ، در داخل درپوش قاب، تصویر دختر زیبایی با جامه ارمنیان نقش بسته است که بادبزی را که به دست دارد، بلند کرده و



تصویر ۳. قاب آئینه، گل و مرغ، مجموعه خصوصی ناصر خلیلی، لندن
مأخذ: خلیلی، ۱۳۸۶: ۶۴

۱۱۶۸ تا ۱۱۷۲ به‌وسیله محمدهادی، محمدباقر و محمدصادق سامان‌دهی شد. این مجموعه را نادرشاه پس از فتح دهلی با خود آورده بود. این سه هنرمند مأمور شدند تا آثار پراکنده این مجموعه را با دقت و به‌صورت موضوعی تدوین و سپس آن‌ها را با تذهیب و تشعیر تزیین کنند. رقم محمدباقر، محمدهادی و محمدصادق در آثار این مجموعه کاملاً پیداست. طرح‌های حواشی بعضی از آثار نگارگری رقم محمدباقر را دارد و تذهیب بیشتر قطعات خطاطی میرعماد کار محمدهادی است. این مجموعه با شماره E14 در مؤسسه مطالعات شرقی آکادمی روسیه در سن پترزبورگ محفوظ است (سودآور، ۱۳۸۰: ۳۲۵). پیش‌تر اشاره شد که محمدباقر پس از جلوس فتح‌علی شاه بر تخت شاهی، برای او مرقعی از قطعات خطاطی میرعماد ترتیب داد و تذهیب و تشعیر حواشی آن‌ها را اجرا کرد. سودآور، تاریخ اجرای آن‌ها را به سال ۱۲۳۷ نسبت می‌دهد و ظاهراً باید متعلق به دهه ۱۲۲۰ بوده باشد که محمدباقر دوره کهنسالی را طی می‌کرده است (سودآور، ۱۳۸۰: ۴۰۵).

در کتابخانه کاخ گلستان، شماری از مرقعات خط و نقاشی وجود دارد که در بعضی از آن‌ها آثار محمدباقر آمده است. از جمله آن‌ها مرقع خط و نقاشی با شماره دفتر ۱۶۳۷ است که در آن قطعه نقاشی آبرنگ از محمدباقر موجود است که شبیه شیخ صفی است و در آن رقم «محمدباقر ۱۲۰۱» آمده است. نکته درخور توجه اینکه در این مرقع، قطعه‌ای آبرنگ هم از محمدعلی نقاش‌باشی (پدر محمدباقر) آمده که جوان شاهین‌به‌دستی را نشان می‌دهد (آتابای، ۱۳۵۳: ۸۰-۲۷۹). مشخص است که گردآورنده این مرقع، از نسبت پدر فرزندی این دو اطلاع داشته که دو قطعه نقاشی از آن‌ها را در کنار هم در مرقعی واحد قرار داده است. در مرقعی دیگر، کتابخانه کاخ گلستان (به شماره دفتر ۱۴۸۴)، دو قطعه نقاشی آبرنگ از پیکره ملامحمد بیدآبادی و میرابوالقاسم فندرسکی موجود است که در آن رقم «کمترین محمدباقر ۱۲۰۱» ثبت شده است. تاریخ این مرقع به‌صورت «۱۱۲۱» آمده و آتابای آن را ۱۲۰۱ هجری خوانده و بعید نیست ۱۲۱۰ هجری هم باشد. این مرقع مجموعه‌ای از قطعات خطاطی خوش‌نویسانی همچون احمد تبریزی تا صیرفی و دو قطعه نقاشی یادشده از محمدباقر است (آتابای، ۱۳۵۳: ۳۱۷). در مرقع خط و نقاشی که آن را مرقع فلک نام نهاده‌اند و حسن بن میرزاحمد حسینی آن را در سال ۱۲۸۳ فراهم آورده و کتابت کرده، نقاشی‌های آبرنگی از محمدباقر، محمدصادق و میرزابابا آمده است. اولین اثر محمدباقر، تصویر درویشی است چماق‌به‌دوش با گیسوی بلند و ریش انبوه و کلاه درویشی بر سر که دارای رقم «کمترین محمدباقر ۱۱۹۲» است. دیگری قطعه‌ای نقاشی آبرنگ از گل سوسن با برگ‌های سبز و رنگ بنفش ارغوانی و رقم «کمترین محمدباقر» است. قطعه دیگر نقاشی آبرنگ از دو مرغ نشسته بر شاخسار شکوفان درخت سیب است که در

۶. قاب آیین‌های با رقم «کمترین محمدباقر ۱۱۷۷» ساخته‌شده از پایه ماشه و اندازه ۱۲/۲ * ۱۷/۵ سانتی‌متر در موزه ارمیتاژ سن‌پترزبورگ وجود دارد. روی این قاب، در زمینه‌ای قهوه‌ای شاخه شکوفان درختچه‌ای شبیه بادام با غنچه‌ها و برگ‌ها و ساقه‌های ریز دیده می‌شود. در پشت آن هم یک شاخه درخت فندق با برگ‌ها و میوه‌های درشت شبیه روی قاب نقش بسته است. در درپوش داخلی هم تصویر مریم عذرا و کودک و یوحنا مقدس مشاهده می‌شود که از نظر هنری چندان چشمگیر نیست (آدامووا، ۱۳۸۶: ۲۲۵؛ Loukonine and Ivanov, 1996: 228).

ج. جلدآرایی

کریم‌زاده تبریزی دست‌کم پنج جلد از جلدآرایی‌های محمدباقر ذکر کرده که در آن‌ها رقم محمدباقر ثبت شده است: ۱. جلدی مندرس با نقوش گل و مرغ و رقم «یا باقرالعلوم ۱۱۹۰»؛ ۲. جلد قرآنی با نقوش گل و مرغ و پیچک‌های تذهیبی و رقم «یا امام محمدباقر» محفوظ در کتابخانه کاخ گلستان؛ ۳. جلدی با نقوش زیبای گل و مرغ و حواشی تزیینی با رقم «یا باقرالعلوم ۱۱۹۵»؛ ۴. جلد رحلی گل و مرغی با رقم «یا باقرالعلوم»؛ ۵. جلد قرآن با نقوش گل و مرغ و اندرون سوخت معرق همراه با تذهیب و رقم «عمل آقامحمدباقر» محفوظ در کتابخانه کاخ گلستان (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۶۱)؛ ۶. جلد روغنی نسخه خطی بوستان سعدی به سفارش باباخان (فتح‌علی‌شاه بعدی) با رقم «کمترین بندگان محمدباقر» محفوظ در کتابخانه ملی روسیه (آدامووا، ۱۳۸۶: ۲۲۵).

د. مرقعات

به نظر می‌رسد نخستین مرقعی که شماری از آثار محمدباقر در آن آمده، مرقع میرزاهدی‌خان استرآبادی باشد که استادش، علی اشرف، آن را ترتیب داد و در فراهم‌کردن آن از همکاری شاگردانش محمدباقر، محمدهادی و محمدصادق بهره جست. در این مرقع بعضی از آثار نخستین محمدباقر آمده است و سیاق کار پیداست که وی در مراحل نخستین هنر خود بوده و مشق آثار هنری می‌کرده است. در این مرقع آثار زیر از وی یادکردنی است: ۱. تصویر دو غزال همراه با شاخه‌های گل و مرغ به سبک سیاه‌قلم و رقم «باقر از بعد علی اشرف بود»؛ ۲. تصویر کوه و درختان با پیکره دو خرس به سبک سیاه‌قلم و رقم «محمدباقر»؛ ۳. قطعه‌ای از تشعیر و تذهیب با رقم «کمترین محمدباقر»؛ ۴. طرح‌ها و نقوش اسلیمی‌وار با پیچک‌های تاکی همراه رقم «کمترین محمدباقر»؛ ۵. تصویری از صورت شاه جهان، پادشاه گورکانی هند که حواشی آن با تذهیب و تشعیر پرندگان و جانوران تزیین شده، با رقم «کمترین محمدباقر» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۶۲).

دومین مرقع یا مجموعه‌ای که محمدباقر در تذهیب و تشعیر آن مشارکت داشت، مجموعه‌ای بود که در سال‌های



تصویر ۶. گل و مرغ، کاخ گلستان، تهران
مأخذ: آتابای، ۱۳۵۳: بی صفحه



تصویر ۷. گل زنبق، کاخ گلستان، تهران
مأخذ: آتابای، ۱۳۵۳: بی صفحه

با سینی طلائی به دست و پیکره یک مرغابی و خرگوش در کنار او و حواشی زیبای گل و مرغی با رقم «یا باقرالعلوم ۱۱۹۷»؛ ۳. تصویر زنی در کنار صخره همراه با تکدرختی تنومند بین گل‌ها و بوته‌ها و رقم «کمترین محمدباقر ۱۱۷۸»؛ ۴. تصویر آبرنگ یک شاخه گل سنبل زیبا و دل‌نشین با رقم «کمترین محمدباقر»؛ ۵. تصویر پیکره‌ای گرفتار در چنگال شیر با رقم «مشق کمترین محمدباقر»؛ ۶. تصویر سیاه‌قلمی از شیری بسته‌شده با زنجیر و رقم «کمترین محمدباقر»؛ ۷. تصویر آبرنگ گل سرخ با رقم «کمترین محمدباقر»؛ ۸. تشعیر سیاه‌قلمی از گل سرخی زیبا

آن رقم «کمترین محمدباقر ۱۱۹۵» آمده است (تصویر ۶). در پایان این مرقع هم نقش شاخه گلی همراه با برگ و شکوفه با سبک سیاه‌قلم و رقم محمدباقر مشاهده می‌شود (تصویر ۷). این رقم با شماره دفتر ۱۶۴۴ در کتابخانه کاخ گلستان محفوظ است (آتابای، ۱۳۵۳: ۹-۳۲۸).

مرقع نقاشی دیگر موجود در کتابخانه کاخ گلستان با شماره دفتر ۱۶۴۳، مرقعی است که در آن قطعاتی از نقاشی آبرنگ محمدعلی، محمدباقر و میرزابابا به تاریخ ۱۲۱۸ آمده است. این مرقع در بردارنده نقاشی‌های سیاه‌قلم و آبرنگ از نقوش و گل و مرغ و تصاویر مختلف است که در نهایت پختگی و استحکام کار شده است. تعداد این تصاویر ۷۶ قطعه متصل به هم است. در این مرقع از محمدعلی، نقش زن زیبایی با آرایش موی سر شاهانه دیده می‌شود که رقم «در شب مشق شد کمترین محمدعلی» در آن آمده است. آیا فراهم آورنده این مرقع از نسبت پدر و فرزندی این دو آگاه بوده که آثار آن‌ها را در مرقعی واحد گردآورده است؟ در این مرقع، تصویر گل سرخی زیبا با غنچه‌ای نیمه‌باز و گلی شکوفان و برگ‌های درهم‌پیچیده و فروافتاده مشاهده می‌شود که گرچه رقم ندارد، ولی از سبک و شیوه آن پیداست که کارهای محمدباقر است. از سجع مهر موجود در این مرقع آشکار است که متعلق به ناصرالدین شاه بوده است (آتابای، ۱۳۵۳: ۹-۳۲۸). کریم‌زاده تبریزی، از مرقعی دیگر یاد می‌کند که در ۲۳ ژوئن ۱۹۸۲، در حراج هنر اسلامی^۳ پاریس به فروش رفته و در این مرقع دو اثر از محمدباقر وجود داشته است. یکی کپی محمدباقر از تابلوی «سوزان و همراهان» علی‌قلی جباردار که با آبرنگ کار شده و در آن پیکره زنی در کنار صخره‌ها همراه دو پیرمرد محارم او در طرفین وی دیده می‌شد و منظره‌ای از درختان پهن‌پوش و سنگ‌ها و صخره‌ها نیز در تصویر نقش بسته بود و در آن «رقم کمترین محمدباقر ۱۱۷۸» به چشم می‌خورد. دیگری هم تصویر آبرنگ دو قطعه گل سرخ با غنچه‌ها و برگ‌های سرسبز بود و رقم نقاش به صورت «رقم کمترین محمدباقر سنه ۱۱۷۸» در آن ثبت شده بود. کریم‌زاده تبریزی معتقد است حتی تزیین و تشعیر حواشی این مرقع که با انواع تذهیب و حل‌کاری و گل و مرغ‌های زیبا آرایش یافته بود، می‌بایست از کارهای خود محمدباقر بوده باشد (۱۳۶۹، ج ۲: ۳-۶۶۲).

۵. آثار آبرنگ دیگر

از آثار آبرنگ دیگر محمدباقر که به صورت مستقل از تصاویر مختلف گل و مرغ و... موجود است، می‌توان به قطعات زیر اشاره کرد: ۱. تصویر گلی زیبا که در حراج کل ناکی لندن به فروش رفته و در بردارنده رقم «به جهت نورچشمی محمدحسن مشق شد، کمترین محمدباقر بن محمدعلی» بود؛ ۲. تصویر زنی جوان، نشسته بر روی صندلی، همراه با خدمه‌ای زیبا

که نشان‌دهنده مهارت و تبحر او در این فن نقاشی است. از جمله این آثار عبارت‌اند از: ۱. تابلوی شکارگاه شاه اسماعیل صفوی همراه ملازمان (محفوظ در کاخ گلستان)؛ ۲. تابلوی جنگ امیر تیمور با ایلدرم بایزید، سلطان عثمانی، با رقم «کمترین محمدباقر» محفوظ در کاخ گلستان؛ ۳. تصویر رنگ روغن زنی زیبا که به حالت چهار زانو نشسته، به بالشی تکیه داده، دست راست زیر چانه برده و بادبزی به دست گرفته است. در این تابلو، رقم «یا باقرالعلوم ۱۱۷۳» ثبت شده است؛ ۴. تصویر رنگ روغن رفاصه‌ای زنگوله‌به‌دست در حال دست‌افشانی و کاسه‌های پر از گلابی بر روی معجر ساده‌اتاق و رقم «یا باقرالعلوم ۱۱۹۲» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۶۳).

با غنچه‌ها با شیوه اسلیمی و رقم «یا باقرالعلوم» محفوظ در مجموعه خصوصی کریم‌زاده تبریزی (۱۳۶۹، ج ۲: ۳-۶۶۱)؛ ۹. تصویر آبرنگ گل سرخی زیبا با غنچه‌ها و برگ‌های سرسبز با رقم «رقم کمترین محمدباقر سنه ۱۱۷۸» به خط نسخ (شهدادی، ۱۳۸۴: ۲۱۴)؛ ۱۰. تصویر گلی سرخ همراه با غنچه‌ها و برگ‌ها و پرنده‌ای بر شاخسار آن به رنگ قهوه‌ای (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۱۰)؛ ۱۱. تک‌چهره آبرنگ کریم‌خان زند محفوظ در موزه هنر گرجستان (آدامووا، ۱۳۸۶: ۲۲۵).

و. آثار رنگ روغن

از محمدباقر چند تابلوی رنگ روغن نیز به یادگار مانده

نتیجه

است. بعضی آثار محمدعلی و محمدباقر کنار هم قرار گرفته است. در یکی از آثار محمدباقر، نام فرزند او محمدحسن نیز ذکر شده و آمده که «به جهت نورچشمی، محمدحسن، مشق شد». می‌دانیم که اصطلاح «نورچشمی» را برای فرزندان به کار می‌بردند. به نظر می‌رسد این محمدحسن هم بعدها از نقاشان صاحب‌نام دوره فتح‌علی شاه شده و آثاری موجه و چشمگیر از خود به یادگار گذاشته است.

از بعضی رقم‌های اولیه محمدباقر دریافتیم که وی نزد علی اشرف شاگردی کرده و همراه او و هم‌دوره‌هایش، محمدهادی و محمدصادق، در فراهم‌آوردن مرقع میرزامهدی‌خان استرآبادی، منشی و مورخ دربار نادرشاه (که امروزه در ارمنستان نگهداری می‌شود)، مشارکت کرده است. در یکی از آثار او در این مرقع، رقم او یعنی «باقر از بعد علی اشرف بود» ثبت شده است که علاوه بر مفهوم مذهبی آن، به زنجیره استاد-شاگردی وی نزد علی اشرف، نقاش برجسته سده دوازدهم هجری اشاره دارد. محمدباقر در اواخر دهه ۱۱۶۰، همراه هم‌دوره‌هایش، محمدهادی و محمدصادق، بر روی مجموعه‌ای از آثار پراکنده کار می‌کنند و آن‌ها را به صورت مرقعی سامان می‌دهند. نادر این آثار پراکنده را پس از فتح دهلی با خود به ایران آورده است. بعید نیست که در اختیار میرزامهدی‌خان استرآبادی بوده و او هم این سه تن نقاش مطرح و نام‌آور این دوره را مأمور سامان‌دهی آنها کرده است.

این سه تن، آثار پراکنده را با تذهیب و تشعیر و تصویر، به صورت مجموعه‌ای زیبا مشتمل بر قطعات خطاطی و نقاشی سامان‌دهی می‌کنند که امروزه با شماره E۱۴ در مؤسسه مطالعات شرقی آکادمی علوم روسیه نگهداری می‌شود. از اشاره محمدآصف رستم‌الحکما در رستم‌التواریخ، معلوم می‌شود که محمدباقر همراه هم‌دوره‌های خود، محمدهادی و محمدصادق و آقامان و میرزاابوالحسن مستوفی، در دربار کریم‌خان در شیراز مشغول کار بوده و در پروژه‌های هنری او به‌ویژه در دیوارنگاری‌های عمارت کریم‌خانی یا تهیه آثار

از قراین مشخص است که محمدباقر در اوایل یا نیمه دهه ۱۱۴۰ چشم به جهان گشوده است. با توجه به جنبه‌های گوناگون آثار او معلوم می‌شود وی فرزند محمدعلی بوده و این محمدعلی می‌باید همان محمدعلی بن ابدال بیک نقاش‌باشی، از نوادگان علی‌قلی بیک جباردار، نقاش فرنگی‌ساز دربار شاه عباس دوم بوده باشد. در این زمینه، دست‌کم می‌توان به سه شاهد اشاره کرد:

۱. محمدعلی بن ابدال بیک که نقاش‌باشی دربار شاه‌طهماسب دوم و نادرشاه بود، طبق اشاره آذربیکدلی در آتشکده آذر که از نزدیک با محمدعلی آشنا بود، در سال ۱۱۷۲ در مازندران چشم از جهان فرو بسته است. اطلاع داریم که محمدباقر در یکی از آثارش که تصویر گل سرخ زیبایی است، اعلام کرده که آن را در ساری کشیده است. حضور وی در ساری مسلماً به دلیل حضور در مرگ پدرش محمدعلی در مازندران بوده است. اقامتگاه اصلی محمدباقر، از قرار معلوم، اصفهان و گاهی شیراز بوده است.

۲. اطلاع داریم که محمدباقر دست‌کم، دو اثر از آثار علی‌قلی بیک جباردار را اقتباس و از روی آن‌ها کپی‌برداری کرده است. درحقیقت، او با این کار خود خواسته است از آثار جد اعلای خود تقلید کند و هنر خود را در برابر هنر او بیازماید و به یاد او قلم بزند و خاطره او را در خانواده‌اش زنده نگه دارد؛ به‌خصوص در اثر تقلیدی او، پیکره‌ها همچنان جامه‌های دوره صفوی را به تن دارند؛ نه دوره زندیه را.

۳. در یکی از مرقعات کاخ گلستان تهران که کلاً به نقاشی اختصاص یافته، آثار سه تن از هنرمندان گرد آمده است: محمدعلی، محمدباقر و میرزاابا. درحقیقت، گردآورنده این مرقع از پیوند خویشاوندی این هنرمندان آگاهی داشته و خواسته است آثار هنری این پدر و فرزند را در مرقعی واحد به نمایش بگذارد و میزان استعداد هنری آن‌ها را به ناصرالدین شاه نشان دهد که سجع ماهر او روی این مرقع ثبت شده است. در مرقع خط و نقاشی دیگری که در کاخ گلستان محفوظ

زیباترین وجهی تولید و در آن نام باباخان (سفارش‌دهنده) را ذکر می‌کند. حاصل این همکاری، مرقعی است که وی از قطعات خطاطی و نقاشی با تذهیب و تشعیرهای زیبا و مشتمل بر نقاشی‌های گل و مرغ و... برای فتح‌علی شاه فراهم می‌سازد. معلوم نیست محمدباقر در چه تاریخی چشم از جهان فرو بسته است؛ ولی از فراین مشخص است که تا دههٔ دوم سدهٔ سیزدهم هجری زنده بوده و احتمالاً در دههٔ ۱۲۲۰ درگذشته است. اگر تولد او را در دههٔ ۱۱۴۰ بدانیم، عمری بیش از هشتاد سال داشته است.

لاکی اعم از قاب آینه و جلد و جعبه و قلمدان برای درباریان مشارکت می‌کند. از وی تصویری از کریم‌خان زند موجود است که امروزه در موزهٔ هنر گرجستان نگهداری می‌شود. او تصویری هم از لطفعلی‌خان زند، آخرین حکمران زند، کشیده است. به نظر می‌رسد وی در دربار کریم‌خان زند با آقامحمدخان جوان که به‌صورت گروگان در دربار زندیه زندگی می‌کرده، آشنا می‌شود و بعدها این آشنایی به حضور وی در دربار قاجار کمک می‌کند. هنگامی که باباخان (فتح‌علی شاه بعدی) در سال ۱۲۰۸ حاکم شیراز می‌شود، محمدباقر کنار او قرار می‌گیرد و برای وی آثاری از جمله جلد بوستان سعدی را به

پی‌نوشت‌ها

1. Benjamin.
2. AqaBir.
3. Art Islamique.

منابع

Robinson, B(1967), Alacquer mirror-case of 1859, Iran, No. 5, pp. 1-6
 Texier, Ch(1842), Description de l'Armenie, La Perse, et la Mesopotamie, Paris.

آتابای، بدری (۱۳۵۳)، فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی، تهران.
 آدامووا (۱۳۸۶)، نگاره‌های ایرانی گنجینه ارمیتاژ، ترجمهٔ زهره فیضی، فرهنگستان هنر، تهران.
 آذریبگدلی (۱۳۷۸)، آشکدهٔ آذر، به اهتمام هاشم محدث، امیرکبیر، تهران.
 ابوالحسن مستوفی غفاری (۱۳۶۹)، گلشن مراد، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، زرین، تهران.
 ادیب برومند، عبدالعلی (۱۳۵۷)، قلمدان سازی، امیرکبیر، تهران.
 اعتمادالسلطنه (۱۳۶۷)، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، جلد ۳، دنیای کتاب، تهران.
 بنجامین، آرتور (۱۳۶۳)، ایران و ایرانیان، ترجمهٔ حسین کردبچه، جاودان، تهران.
 خلیلی، ناصر (۱۳۸۶)، کارهای لاکی، ترجمهٔ سودابه رفیعی سخایی، کارنگ، تهران.
 رابینسن (۱۳۷۹)، اوج‌های درخشان هنر ایران، ترجمهٔ رویین پاکباز، آگه، تهران.
 رستم الحکماء، محمدآصف (۱۳۵۲)، رستم التواریخ، چاپ محمد مشیری، امیرکبیر، تهران.
 سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۰)، هنر دربارهای ایران، ترجمهٔ ناهید محمد شمیرانی، کارنگ، تهران.
 شهزادی، هرمز (۱۳۸۴)، گل و مرغ، کتاب خورشید تهران.
 کریم زاده تبریزی، محمد علی (۱۳۶۹)، آثار و احوال نقاشان قدیم ایران، جلد ۲، لندن؛ ۱۳۷۰، جلد ۳؛ جلد ۱، ۱۳۷۶.
 نامی، محمد صادق (۱۳۶۳)، تاریخ گیتی‌گشا، چاپ سعید نفیسی، تهران.

هنرفر، لطف الله (۱۳۴۴)، گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان، ثقفی، اصفهان.
 Diba, L(1989), Persian Painting in eighteenth century, Muqarnas, No. 6, pp. 147-160.

Loukonine and Ivanov(1996), Persian Lost Treasure, Sirrocco, USA and UK.